تحلیل گفتمان نطق‌های نامزدهای انتخاباتی در حوزه سیاست خارجی

اجماع برآرمان فلسطین و بازدارندگی فعال

سیدمهدی طالبی
دبیرگروه جهان‌شهر

چهاردهمین انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در شرایطی پیش روی کشور قرار گرفته است که شرایط منطقه‌ای و جهانی ویژه‌ای حاکم است. از یک‌سو جنگ بزرگی در فلسطین اشغالی رخ داده که قابلیت فراگیری به تمام منطقه را دارد و از سوی دیگر انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در پیامد سانحه برای بالگرد رئیس‌جمهور برگزار می‌شود که به شهادت آیت‌الله رئیسی و امیرعبداللهیان وزیر خارجه وی منجر شد. از دست دادن دو رهبر برجسته در مبارزات منطقه‌ای محور مقاومت با جبهه غربی، پدیده‌ای ساده نیست. در همین حال کشورهای اروپایی با تشدید تحریم‌ها و صدور قطعنامه علیه برنامه هسته‌ای ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در روز گذشته (چهارشنبه) صورت گرفت، درصدد تشدید تنش‌ها با تهران هستند. علی‌رغم فشارهای غرب برای وادار ساختن ایران به عقب‌نشینی از مواضع اصولی خود اما بررسی مواضع نامزدها نشان می‌دهد آنها به‌صورت تقریبا یکپارچه مخالف مواضع غرب و رژیم صهیونیستی هستند. علاوه‌بر نامزدهای ملی، مواضع اصلاح‌طلبان نیز شاهد رویکردی‌هایی علیه تحریم‌های ضالمانه غرب و ضدیت با رژیم صهیونیستی است.

در این میان یک استثنا وجود دارد که به نظر عجیب عباس آخوندی، وزیر جنجالی و پرسروصدای راه و شهرسازی دولت روحانی مربوط است. هرچند او نیز تاکید کرده ایران حتی درصورت اصلاح روابط منطقه‌ای باید تمام توجهات خود را بر اعمال ننگین رژیم صهیونیستی متمرکز کند ولی آنچه در این خصوص گفته بیشتر شبیه ایده سازشکاران عربی-اسلامی است. او در راهکاری که مبارزه گرم را نفی می‌کند تاکید کرده مبارزه با این رژیم نژادپرست باید صرفا از «مجرای اعمال سیاست ضدآپارتاید، ضدپاکسازی و نسل‌کشی قومی از مجاری بین‌المللی و همراه با مبارزات مدنی و آگاهی و همبستگی افکار عمومی جهان پیگیری شود»؛ مسیری که شبیه سیاست‌های محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین به‌عنوان یکی از رهبران جناح سازشکار است. در ادامه این گزارش به بررسی مواضع نامزدهای شاخص انتخابات چهاردهم ریاست‌جمهوری در حوزه سیاست خارجی پرداخته شده است.

لاریجانی؛ اصلاح و تقویت شده سیاست‌خارجی روحانی

محمدجواد لاریجانی دارای سوابق گسترده نظامی است که ریشه در مسائل ابتدایی انقلاب دارد اما سوابق امنیتی او تا دهه ۸۰ به طول انجامیده است. لاریجانی که از سال ۱۳۶۱ به عضویت سپاه درآمد طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت سپاه پاسداران بود و از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ به‌عنوان جانشین رئیس ستاد مشترک سپاه پاسداران فعالیت کرد. لاریجانی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ نیز دبیر شورای امنیت ملی بوده است. لاریجانی به دلیل سوابق و مسئولیت‌های طولانی‌مدت و سنگین در امور نظامی، امنیتی و سیاست‌خارجی و همچنین فعالیت ۱۲ساله در کسوت ریاست مجلس دارای نگاه موثری به سیاست‌خارجی فارغ از ارزشگذاری آن است. این مساله باعث شد نطق ۵ دقیقه‌ای وی پس از ثبت‌نام در انتخابات ریاست‌جمهوری حاوی سهم بزرگ‌تر و پررنگ‌تر سیاست‌خارجی نسبت به دیگر ثبت‌نام‌کنندگان باشد؛ علاوه‌بر آنکه این فاصله از کلمات و جملات وی نیز این برتری قابل مشاهده بود؛ هر چند لاریجانی نگاه عمیقی به سیاست خارجی دارد اما دیدگاه‌های او نوع اصلاح و تقویت شده تفکراتی است که در دولت روحانی پیگیری شده و ناکام از آب درآمد. این ناکامی برای لاریجانی اندکی کمتر از روحانی خواهد بود اما نتیجه نهایی همان است. درخصوص سیاست‌خارجی لاریجانی چند نکته حائز اهمیت است:

۱. لاریجانی می‌گوید دیپلماسی کشور باید «پیشرفت» ایران را مساله اصلی تعاملات خود قرار دهد. او معتقد است راهبرد ایران به‌عنوان قدرت مهم منطقه آن است که کل منطقه امن باشد. نگاه توامان لاریجانی به توسعه اقتصادی و امنیت به‌عنوان ضامن و زمینه توسعه اقتصادی است؛ هر چند این دیدگاه به‌صورت کلی از سوی نظام پیگیری شده و دولت رئیسی نیز بر مبنای آن گام برمی‌داشت اما نوع ادبیات لاریجانی شبیه سیاست‌ها و ادبیات دولت روحانی است.

با این وجود نگرش لاریجانی تفاوت‌هایی با روحانی دارد و به معنای فروکاست نقش امنیت که توسط روحانی نادیده گرفته می‌شد، نیست. در نگاه لاریجانی تعاملات سیاسی اندکی مقدم بر تعاملات امنیتی یا هم‌سطح آن خواهد بود بدون آنکه امنیت برای مذاکرات سیاسی رها شود. در دوران دبیری لاریجانی بر شورای امنیت نیز همزمان جنگ‌های منطقه و موضوع هسته‌ای مدیریت می‌شدند که موفقیت‌هایی در پی داشت.

۲. دیپلماسی و نگاه لاریجانی معطوف به منطقه است. آشکار است که وقتی از امنیت منطقه‌ای صحبت می‌شود، مساله امنیت شامات یا باب‌المندب و با ترکیه یا رژیم صهیونیستی نیست، بلکه آدرس این سخنان خلیج‌فارس است. از این رو تعامل با عربستان سعودی و امارات اولویت بیشتری نسبت به ترکیه خواهد داشت.

۳. لاریجانی می‌گوید روابط خود با قطب‌های جهانی را صرفا براساس منافع و امنیت ملی تعریف می‌کند. این نگاه تعدیلی بر سیاست نگاه به شرق و پیامی به غرب است. به عبارتی دیگر او می‌گوید در مقابل غرب ایستادگی می‌کند اما در بلوکی شرقی در برابر این مجموعه حاضر نمی‌شود. این سیاست تاکنون توسط ایران پیگیری شده اما هرچند در عمل تهران وارد بلوکی از قدرت‌ها نشده اما در صحنه رسانه‌ای این‌گونه وانمود شده است. مشخص نیست نگاه اصولی لاریجانی به این قضیه مابه‌ازای دریافت کدام امتیاز بوده و چرا او سیاست‌خارجی کلی کشور را از ابهام خارج کرده است.

۴. لاریجانی که رفع تحریم‌ها را اولویت دستگاه دیپلماسی می‌داند معتقد است مبنای تعاملات چه در سطح منطقه و چه در سطح بین‌المللی به نحوه غالب با تکیه بر مزیت‌های رقابتی بر محور توسعه اقتصادی خواهد بود.

۵. لاریجانی می‌گوید قدرت نظامی مهم است. این جملات او بیانگر نقاط تفاوت طرح سیاست‌خارجی‌اش با روحانی است. به عبارتی دیگر لاریجانی می‌گوید به موازات برجام هسته‌ای، وارد برجام نظامی نخواهد شد.

قالیباف؛ تقویت قدرت منطقه‌ای

قالیباف بیشتر چهره‌ای اجرایی تا ایده‌پرداز شناخته می‌شود. سوابق اجرایی او در امور نظامی با توجه به سطح بالای‌شان اما آورده‌هایی برای او به لحاظ دیدگاهی داشته است. عمده سابقه نظامی او در ارتباط با مسائل کلان امنیتی کشور و منطقه ریاست نیروی هوافضای سپاه از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ و تا حدی ریاست نیروی انتظامی از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ بوده است. او پس از عضویت در مجمع تشخیص مصلحت و ریاست مجلس نیز در جریان امور کلان سیاست خارجی قرار گرفته است.

با این حال عمده نگاه او به سیاست خارجی ناشی از برداشت‌های شخص وی نیست، بلکه ریشه در خاستگاه‌های سیاسی و تیم‌هایی دارد که در حوزه‌های امنیتی، دیپلماتیک و سیاسی با آنها کار کرده است. درخصوص سیاست خارجی قالیباف نکاتی وجود دارد:

۱. قالیباف در نطق ۵ دقیقه‌ای خود پس از ثبت‌نام در انتخابات به‌طور خلاصه با گفتن این جمله کوتاه که «بنده معتقدم تفکر انقلابی شهید حاج‌قاسم و شهید رئیسی همچنان راهگشاست» نشان داد درصورت روی کارآمدن قربت زیادی به سیاست‌های دولت شهید رئیسی و همگامی دیپلماسی و میدان خواهد داشت که توسط شهید امیرعبداللهیان در کسوت وزارت خارجه پیگیری می‌شد.

۲. رئیس مجلس درخصوص تحریم‌ها نیز تاکید کرد «عبور از تحریم‌ها قابل حل است» که نشان می‌دهد او در سیاست خارجی به یگانه مذاکره اتکا نداشته و به دوگانه موثر تقویت قدرت داخلی و مذاکره همزمان معتقد است.

۳. در دوران التهابات منطقه‌ای قالیباف همکاری گسترده‌ای با سیاست‌های منطقه‌ای ایران به رهبری شهید قاسم سلیمانی داشت و حتی در برهه‌ای وی برای کمک به جریانات اسلامی همانند دولت اخوانی محمد مرسی به وی پیشنهاد کرده بود حاضر است برای مدیریت امور کشوری و شهرهای مصر به‌ویژه پایتخت، تجارب خود و سازمانش را در اختیار قاهره قرار دهد. قالیباف همراهی خود با سیاست‌های منطقه‌ای محور مقاومت را با کمک به برگزاری مراسم اربعین نیز نشان داده است. به نظر می‌رسد با حضور قالیباف سیاست منطقه‌ای ایران به‌ویژه نفوذ منطقه‌ای با حضور سپاه قدس به‌شدت تقویت می‌شود.

جلیلی؛ مسیر مستقیم ازدیاد قدرت با سپر تحمل

سعید جلیلی نمونه برگردان محمدباقر قالیباف است؛ او چهره اجرایی توانمندی به حساب نمی‌آید اما ایده‌پردازی قوی به شمار می‌رود. جلیلی که یک دیپلمات است مدارج را یک به یک در وزارت خارجه طی کرده اما سرعت رشد بالایی داشته است. او در سال ۱۳۶۸ وارد وزارت خارجه شد اما احتمالا به دلیل فارغ‌التحصیلی از دانشگاه امام صادق تنها دو سال بعد در سال ۱۳۷۰ رئیس اداره بازرسی وزارت خارجه شد. جلیلی پیش از رسیدن به دبیری شورای عالی امنیت ملی در سال ۱۳۸۶ از سال ۱۳۸۴ معاون اروپا و آمریکای وزارت امور خارجه بوده است. وی در دهه ۱۳۷۰ نیز مدتی معاون اداره اول آمریکا در وزارت خارجه بود.

این سوابق نشان می‌دهد فعالیت‌های دیپلماتیک جلیلی ارتباط زیادی با غرب داشته اما در عمل روابط متشنجی میان وی و این مجموعه ایجاد شده است. جلیلی معتقد است غرب حاضر به پذیرش قدرت ایران نیست و راهکار کاهش فشارهای این مجموعه تنها پیگیری مسیر ازدیاد قدرت است. درخصوص دیدگاه‌های جلیلی با توجه به نطق ۵ دقیقه‌ای وی نکاتی وجود دارد:

۱. جلیلی در فرصت ۵ دقیقه‌ای خود گفته است «پیشرفت‌های مردم ما و روندهای جهانی، امروز به ما نشان می‌دهد در یک فرصت تاریخی هستیم.» براساس دیدگاه‌های وی که توسط برخی از نزدیکانش مانند مهدی صفری، معاون وزیرخارجه گفته شده، ایران فرصتی تاریخی برای کسب یک جایگاه بزرگ در جهان دارد. صفری پیش از این تاکید کرده بود ایران با ابرقدرتی فاصله‌ای ندارد.

این دیدگاه‌ها بلندپروازانه به نظر می‌رسند اما ابعاد قدرتی ایران به‌ویژه در منطقه و هسته‌ای با این مساله بی‌نسبت نیستند. از نگاه جلیلی نباید برخی مشکلات ایجاد شده توسط غرب باعث دلسردی ایرانیان شود زیرا این مشکلات برای توقف ملت ایران طراحی شده‌اند تا تهران از نتیجه نهایی بازماند. او بر همین اساس بود که در سخنان خود تاکید کرده بود رئیس‌جمهور باید «به حداقل‌ها راضی نشود، اداره روزمره کشور را کافی نداند و به قله‌ها نگاه کند.»

۲. از نگاه جلیلی مسیر ازدیاد قدرت باید با سپر مقاومت پیگیری شود. او بر همین اساس تاکید کرد: «در دولت رئیس‌جمهور شهید همان ابرقدرتی که رسما به دنبال فشار حداکثری بر مردم ایران بود، اعتراف کرد که شکست خورده است.»

با این حال بسیاری این ایده را به شکل انتزاعی مهم اما در عمل با چالش‌های بسیار می‌دانند. بر همین اساس بوده که جلیلی سعی کرد پس از انتخابات سال ۱۳۹۲ بر یک بدنه کارشناسی برای کسب راه‌حل‌ها و آزمایش آنها متمرکز شود تا بتواند طرح و ایده خود را به دیگران اثبات کند. برخی از بخش‌های ایده‌های وی مانند تبادلات تهاتری ناگزیر از شرایط تحریمی پیگیری شدند، اما همزمان با اثبات موفقیت آنها این مساله نیز به اثبات رسید که دیگران بهتر از خود وی قادر به اجرای راهکارهایش هستند.

۳. جلیلی در سال ۱۳۹۲ با نقش‌آفرینی در تمرکز انتخابات بر مساله هسته‌ای باعث پیروزی حسن روحانی شد که آرایی ۱,۷ درصدی داشت اما درنهایت با ۵۰,۰۷ درصد آرا پیروز شد. اگر جلیلی انتخابات سال ۱۳۹۲ را به رفراندوم هسته‌ای تبدیل نمی‌کرد شاید وضعیت کشور امروز متفاوت‌تر بود. بر همین اساس او تاکنون به‌شدت از قضیه هسته‌ای احتراز کرده و سخنی به میان نیاورده است.

عباس آخوندی؛ نمونه رادیکال سیاست‌خارجی روحانی

آخوندی علی‌رغم برخی مسئولیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مانند معاونت سیاسی- اجتماعی وزارت کشور در دهه ۱۳۶۰ و قائم‌مقامی سازمان صداوسیما، بیشتر با فعالیت‌های عمرانی شناخته می‌شود. او در دولت‌های هاشمی‌رفسنجانی و خاتمی مدتی وزیر راه و شهرسازی بوده است. دیدگاه‌های او از این رو به‌شدت متاثر از توسعه در شکل فیزیکی و وابسته به همکاری‌های جهانی است.

۱. آخوندی در نطق ۵ دقیقه‌ای خود اعلام کرد «ملت ایران با سلب آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی تبدیل به ملتی بریده از جهان و در حسرت حضور در رقابت‌های جهانی شده است.» او همچنین در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «سرزمینی که چهارراه تبادل جهان است، فرقه‌ای از سر جهل و عناد چهارطرف آن را بسته‌اند و آن را تبدیل به قلعه‌ای محصور کرده‌اند. تمدن ایران محصول تجارت آزاد و آمدوشد اقوام و خرده‌فرهنگ‌های گوناگون و گفت‌وگوی فرهنگی و مدنی شرق و غرب و شمال و جنوب عالم بوده است. حصر هیچ‌گاه سرنوشت و ویژگی ملت ایران نبوده است. لیکن اینک به‌نام فریبنده خودکفایی و با سلب آزادی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تجاری تبدیل به ملتی بریده از جهان و در حسرت حضور در میدان‌های رقابت جهانی شده است.»

این سخنان او نشان می‌دهد وی اعتقادی به مشکل‌آفرینی تحریم‌ها نداشته و قصد دارد افراطی‌تر از دولت روحانی داخل را کوبیده و بدون هیچ‌گونه انتقادی نسبت به مذاکرات، به توافق مدنظر خود با تحریم‌کنندگان دست یابد. او با داخلی دانستن حصر کشور این نکته را نادیده گرفته که این تحریم‌ها هستند که حتی مانع روابط اقتصادی با کشورهایی مانند سوریه و لبنان می‌شوند.

آخوندی بر همین مبنا ادعا کرد قراردادی برای خرید ۲۰۰ فروند هواپیمای نو مستقیما از ایرباس و بوئینگ با منابع بین‌المللی بسته بود که با کارشکنی عناصر ضد توسعه ناتمام ماند. این درحالی است که با خروج ترامپ از برجام این قرارداد به محاق رفت.

۲. آخوندی می‌گوید: «من گفتمان ایده ایران را در میان می‌گذارم گفتمانی که بر بنیان آموزه‌های تمدنی ایران، ارزش‌های ایرانیان، شناخت دقیق فرصت‌ها و ویژگی‌های سرزمینی ایران و بازخوانی تاریخ ایران از پیش از اسلام و به‌ویژه مشروطه استوار شده است.»

این حرف‌های آخوندی پیامی درخصوص اهمیت قدرت نرم است اما آدرسی آشنا در سخنان مرحوم هاشمی دارد که تاکید داشت «دوران موشک‌ها به پایان رسیده و دوره گفتمان‌هاست.» پیش‌بینی مرحوم هاشمی آنقدری دقیق بود که درست بعد آن جهان در جنگ فرورفته و موشک‌ها اهمیت دوچندانی یافتند. احتمالا دقت مواضع گفتمانی آخوندی بیشتر از سخنان مرحوم هاشمی باشد.

۳. آخوندی در متن انتخاباتی خود آورده بود «هموطنان عزیز من می‌فهمم که شما پدیده چند دولتی یا بی‌دولتی را با تمام رگ و پوست‌تان حس می‌کنید.» او سخنانش را دوپهلو بیان کرد تا اتهامات در پی آن قابل رد باشند. او «بی‌دولتی» به معنای بی‌تاثیری دولت را در ادامه سخنان خود آورد تا از «چند دولتی» به‌جای القای حاکمیت دوگانه، انشقاق در دولت‌ها نیز قابل تعبیر باشد. با این وجود این سخنان آخوندی به شکل مستقیم القای حاکمیت دوگانه و تضعیف نهادهای انقلابی است که بیش از هرجا غرب خواهان و مبلغ آن است.

جهانگیری؛ سایه روحانی

نام اسحاق جهانگیری در هر دوره‌ای با بالادستش از هاشمی‌رفسنجانی تا خاتمی و سپس روحانی گره خورده است. این پدیده نشان می‌دهد شخصیت سیاسی جهانگیری سایه‌پذیری زیادی از بالادستانش دارد. همین سایه‌پذیری در خصوص دیگران ازجمله بیژن نامدارزنگنه که سن وزارت‌هایش از سن بسیاری از ایرانیان بیشتر است، کمتر وجود دارد. این سایه‌پذیری مطلوب جهانگیری است اما واقعیت‌ها باعث شده او تلاش کند اندکی از هویت خود فاصله بگیرد و بر همین اساس در روز ثبت‌نام به خبرنگاران تاکید کرد اصلاح‌طلب است اما ملی فکر می‌کند. با وجود این، ذوب بودن جهانگیری در دستورات مافوقانش باعث شده تمام ابعاد شخصیتی وی با آنها شناخته شود، به ویژه آنکه او در سال ۱۳۹۶ به عنوان نامزد پوششی روحانی وارد کارزار انتخابات شد. جهانگیری و دیگران همه با هم می‌دانند او ادامه دولت روحانی است و چیز بیشتری ندارد اما وی در نطق انتخاباتی‌اش تلاش کرد با تکیه بر برخی توانایی‌های شخصی، فاصله‌گذاری‌هایی انجام دهد.

۱. جهانگیری می‌گوید تحریم‌های ظالمانه باید براساس عزت و مصلحت کشور حل شوند. به‌کارگیری عزت و مصلحت پس از تحریم‌های ظالمانه نه به جهت قصدی واقعی، بلکه به جهت گرفتن زهر و تلخی سیاست‌های عریان مذاکره‌ای دولت روحانی صورت گرفته است. در دولت وی این کلمات زهرگیر اقداماتش بودند و اگر قرار بود اقدامی برخلاف منافع ملی صورت گیرد، با آوردن کلمات عزت و مصلحت تلاش می‌شد از زهر آن کاسته شود.

۲. موضع ویژه دیگر جهانگیری ایجاد توازن منطقه‌ای است که تقریبا مشابه طرح لاریجانی و روحانی در خصوص «طرح صلح هرمز» به حساب آمده و متمرکز بر خلیج‌فارس است.

همتی؛ واقع‌بین‌تر از روحانی

مسئولیت‌های عبدالناصر همتی با اقتصاد و امور مالی گره خورده است. در میان مسئولیت‌های اقتصادی فراوان مانند مسئولیت کمیته اقتصادی شورای عالی امنیت ملی، ریاست بیمه مرکزی، بانک ملی و بانک مرکزی او سوابقی در صداوسیما ازجمله معاونت سیاسی این سازمان داشته است. ستاره اقبال همتی اما زمانی اوج گرفت که در سال ۱۴۰۰ با رد صلاحیت اسحاق جهانگیری، به‌عنوان تنها نامزد دولت وقت شناخته شد. نامزدی او بدون اجازه روحانی صورت گرفت و واکنش وی را درپی داشت اما همتی تنها دارایی آنها در انتخابات گذشته بود که درنهایت رایی ۲,۵ میلیونی کسب کرد. سیاست خارجی همتی متاثر از سنت دولت روحانی است ولی وی نمونه‌ای واقع‌گرایانه‌تر را در سخنرانی انتخاباتی خود به نمایش گذاشت.

۱. همتی می‌گوید تحریم‌های ظالمانه ضدتوسعه هستند و باید به سرعت برداشته شوند. او می‌گوید توسعه از مسیر اتصال به جهان می‌گذرد. این مساله نشان می‌دهد همتی همانند روحانی به سرعت و با شیب تندی کشور را بار دیگر در مدار گفت‌وگوهای هسته‌ای تنظیم می‌کند.

۲. همتی اعلام کرده دیپلماسی ورزیده و چابک راهکار رفع تحریم‌ها و رابطه با دنیاست. احتمالا منظور او سرهم‌بندی کردن سریع یک توافق است. به عبارتی دیگر او تاب دو سال مذاکره را نداشته و باید به سرعت ماموریت ناتمام دولت روحانی در احیای برجام با دولت بایدن را به سرانجام برساند.

۳. نکته مثبت در مواضع همتی تاکید او بر داشتن برنامه برای اداره کشور با فرض ادامه تحریم‌هاست. او این تجربه را با خود از دولت روحانی کسب کرد که با قرار دادن تمام کشور در درون مذاکره، همچنان ۸ سال را به دلیل نقض عهد غرب با تحریم طی کرد.

پزشکیان؛ سیاست خارجی کمی بیرون‌تر از شمال غرب

مسعود در دولت خاتمی مسئولیت وزارت بهداشت را برعهده داشت و مدتی نیز نایب‌رئیس اول مجلس بوده است. پزشکیان با توجه به سوابق مذهبی و انقلابی فرد معتمدی به حساب می‌آید اما به دلیل تحت‌تاثیر قرارگرفتن غیرمستقیم از دیدگاه‌های قومی، احتمالا نبض سیاست خارجی کشور را بر مسیرهای ناصحیح تنظیم می‌کند.

۱. پزشکیان در سخنرانی خود گفت «باید کاری می‌کردیم که در منطقه جایگاه برتر را به دست می‌آوردیم.» این سخنان معنای خاصی دارند. به عبارتی دیگر پزشکیان نمی‌خواهد بگوید سیاست منطقه‌ای بد پیگیری شده، بلکه آن را از اساس رد می‌کند. او معتقد است سیاست منطقه‌ای ایران ناموفق بوده و احتمالا عامل وضعیت اقتصادی است. جهت‌گیری پزشکیان منطبق با دیدگاه‌های کارشناسان بین‌المللی نیست بلکه متاثر از دستگاه‌های تبلیغاتی غربی و سرویس‌های وابسته به این مجموعه است.

۲. سیاست خارجی کشور با پزشکیان رنگ‌وبوی اصولگرایی و اصلاح‌طلبی نداشته و بیشتر بر مبنای زیست او در شمال غرب کشور و دیدگاه‌های قومی پیگیری خواهد شد. در این صورت باید منتظر وارد آمدن ضرباتی به ایران از سمت آذربایجان و ترکیه باشیم. از نگاه او اساسا منطقه به معنای کشورهای عربی اهمیتی ندارند و احتمالا آذربایجان با ۱۰ میلیون جمعیت خوب است.

۳. پزشکیان در سخنان خود ادعا کرده باید با جهان ارتباط منطقی ایجاد کرد و با همسایگان و جهان رابطه داشته باشیم. دیدگاه‌های او بسیار ابتدایی، شعارگونه، متاثر از تبلیغات غیرکارشناسانه و به دور از واقعیت است. روابط ایران با همسایگان رو به رشد بوده و سیاست همسایگی دولت شهید رئیسی موفقیتی ممتاز در این خصوص داشت. به لحاظ بین‌المللی نیز از دولت روحانی تا رئیسی به اشکال مختلف روابط با جهان پیگیری شده است.

زاکانی

علیرضا زاکانی به دلیل حضور در چند دوره مجلس سوابق تقنینی مناسبی دارد اما به لحاظ اجرایی فعالیت‌های وی از سال ۱۴۰۰ و با حضور در شهرداری تهران آغاز شده است. زاکانی در سیاست خارجی اما دیدگاه‌های شخصی خاصی ندارد که بتوان از آن به‌عنوان نگاه وی نام برد اما با توجه به سخنان و خاستگاه سیاسی‌اش به نظر می‌رسد او به‌طور کلان خواهان ادامه راهی است که دولت شهید رئیسی به پیش می‌برد. او بر همین اساس در نطق خود تاکید کرد سیاستش ادامه دولت رئیسی است که با دوستان، دوستی و با دشمنان مخالفت می‌کرد. با این وجود برداشت‌های وی از سیاست خارجی دولت رئیسی و این حیطه بسیار کلی و فاقد جزئیات است.

بذرپاش

از میان سوابق اجرایی مهرداد بذرپاش، حضور او در سمت وزیر راه و شهرسازی از سال ۱۴۰۱ تنها قرابت‌هایی با سیاست خارجی داشته که آن نیز مرهون روند جهانی پررنگ کریدورهاست. بر همین اساس بذرپاش با تیزهوشی این نکته را در قالب نطق انتخاباتی خود قرار داد. به‌طور کلی نسبت دیدگاه‌های بذرپاش با سیاست خارجی تقریبا همانند زاکانی است اما به دلیل حضورش در وزارتخانه‌ای مهم، اندکی پیچیده‌تر شده است.

۱. بذرپاش می‌گوید به دنبال ایجاد کریدورهای راهبردی و مزیت‌سازی است. به گفته او تاکیدش همانند شهید رئیسی بر کسب درآمد از ترانزیت خواهد بود.

۲. وزیر راه و شهرسازی دولت سیزدهم تاکید دارد در راه دیپلماسی نتیجه‌گرا و روابط با همسایگان که ادامه راهبرد دولت رئیسی است گام برمی‌دارد.

۳. راهکار بذرپاش برای گفت‌وگو با جامعه جهانی و قدرت‌های بین‌المللی نیز برگرفته از شعارهای دولت سیزدهم است. او می‌گوید به لبخند دشمنان اعتماد نمی‌کند اما مبتکرانه با دنیا گفت‌وگو خواهد کرد. به نظر می‌رسد بذرپاش با توجه به ضعف بنیه نظری در سیاست خارجی قصد دارد به‌طور پررنگی خود را ادامه‌دهنده راه شهید رئیسی و عبداللهیان معرفی کند.